

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

سجاد پور - فریادهای دلخراش زن میان سال، و لوله عجیبی در کلانتری سجاد مشهد به راه انداخته بود. او اشک ریزان به نیر وهای انتظامی التماس می کرد تا جگر گوشه اش را به او بازگردانند. گزارش پایش دختر جوان، ماموران کلانتری را به تکاپو انداخت. زن میان سال که به همراه همسرش، وحشت زده و سراسیمه خود را به کلانتری رسانده بود، در میان اشک و ناله های تکان دهنده اش گفت: حدود ساعت ۲۰ برای تکان امور بهداشتی و در مانی عازم یکی از مراکز خدمات درمانی شدیم ولی چون همسرم یقین داشت که اطراف مرکز بهداشتی جای پارک پیدا نمی شود دخترم مهلا را نیز با خودمان بردیم چرا که او گواهی نامه رانندگی داشت و برای جلوگیری از تخلف رانندگی می توانست به ناپدیری اش کمک کند. وقتی به محل رسیدیم «مهلا» پشت فرمان نشست تا اگر پلیس به خاطر توقف دوبله قصد داشت خودرو را جریمه کند، او به مکان دیگری برود یا اگر جای پارک پیدا شد، بلافاصله خودرو را در نقطه ای مناسب پارک کند! اما وقتی از مرکز بهداشتی بیرون آمدیم اثری از خودرو و دخترم نبود! با نگرانی و اضطراب به جست و جویر داخلیم و مدام با تلفن همراهش تماس می گرفتم ولی او به تلفن نیز پاسخ نمی داد. هر لحظه بر نگرانی ما افزوده می شد تا این که به ناچار ما جزا را به پلیس ۱۱۰ اطلاع دادیم. در این هنگام بود که پیامکی با عنوان «سند خانه پدری را تحویل بده تا بعد از چند روز مهلا را بری گردانیم!» برایم ارسال شد. حالا دیگر یقین داشتم دخترم را رپوده اند چرا که من به خاطر یک ساختمان ارثیه ای با برادرم اختلاف داشتم! اما از سوی دیگر هم از مدتی قبل به رفتارهای دخترم مشکوک شده بودم احتمال می دادم او پاسپری در فضای مجازی آشنا شده است و با او ارتباط دارد... گزارش اختصاصی خراسان حاکی است در پی اظهارات زن میان سال بلافاصله گروه مشترکی از افسران زبده دایره تجسس و اطلاعات کلانتری وارد عمل شدند و با هدایت مستقیم سرهنگ بیژن خنجری (رئیس کلانتری

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

رسانه های آلمان از نگهداری ده ها مار سمی در آپارتمان ۴۵ متری توسط یک مرد در شهر هاگن خبر دادند. آتش نشان هابی را خارج کردن مارهای سمی و غرق آب این «چنگل خصوصی» ۱۴ ساعت بی وقفه تلاش کردند.

به گزارش دویچه وله، در آپارتمان این مرد گیاهان متعددی از جمله لیانا نیز وجود داشت. این مرد اهل هاگن چندین مار بسیار سمی از جمله مارهای افعی گایون را در آپارتمان خود نگهداری می کرد. نیروهای آتش نشانی چندین غرقب سمی نیز کشف کردند.

مارهای دیگری نیز در یک اتاق زیرزمینی زندگی می کردند که دسترسی به آن برای همه از آد بوده است. خارج کردن همه مارها و غرقب ها ۱۴ ساعت طول کشید. کادر درمانی برای ارائه کمک های پزشکی در محل ماموریت آماده بود تا در صورت مارگزیدگی با غرقب گزیدگی بلافاصله دست به کار شود. آتش نشانان پس از اتمام ماموریت موفقیت آمیز خود مارها و غرقب های سمی را به یک موسسه جانورشناسی تحویل دادند.

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

***مهر** / سردار نصرت ... برین جانشین رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر از افزایش ۳۰ درصدی کشف شیشه و مورفین خبر داد و گفت: متأسفانه قاچاقچیان اموالشان را به مرز از تبدیل می کنند که کار با مشکل مواجه می شود.

***میزان** / سرهنگ محمد قاسم طرهانی، جانشین پلیس پیشگیری پایتخت، از دستگیری سارق حرفه ای خودرو و مالخر اموال سرقتی خبر داد و گفت: در این عملیات پلیسی مقادیری مواد مخدر نیز کشف شد.

***میزان** / سرهنگ کیومرث حسونند، سر کلانتر پنجم پلیس پیشگیری پایتخت از دستگیری سارق سابقه دار در غرب تهران و کشف ۱۰ فقره سرقت خبر داد.

***مهر** /ملکی سخنگوی سازمان آتش نشانی تهران از نشت گاز منوکسید کربن در یک ساختمان قدیمی و نجات شش نفر از این حادثه خبر داد و گفت: این حادثه جمعه شب گذشته در یک منزل قدیمی واقع در محله قنات کوثر به سامانه ۱۲۵ اطلاع داده شد. ***ایسنا** /توفان شدید همراه با وزش تندباد و بارش برف و باران، بخش هایی از بریتانیا را درنور دید و تاکنون دو نفر بر اثر سقوط درخت جان خود را از دست داده اند. یک معلم پس از سقوط درخت روی اتومبیلش جان خود را از دست داد و مرد دیگری نیز در حادثه ای مشابه در منطقه ای دیگر جان باخت.

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

سجاد) تحقیقات گسترده را آغاز کردند. نیروهای کلانتری در اولین مرحله از اقدامات پلیسی با استفاده از تجربیات ارزنده و دستورات ویژه سرهنگ «حسین دهقان پور»، (فرمانده انتظامی مشهد) رصدهای اطلاعاتی را با گزارش ماجرا به گشت های انتظامی ادامه دادند و در حالی موفق به کشف خودرو شدند که در بولوار امامت مشهد رها شده بود و سوئیچ آن نیز درون خودرو قرار داشت اما درهای آن با قفل مرکزی بسته شده بود. بایدادشن خودرو، احتمال آدم ربایی قوت گرفت و به همین دلیل دامنه کنکاش های تخصصی

نیروهای کلانتری، گسترش یافت و ماموران انتظامی در چندین شاخه اطلاعاتی و عملیاتی به ردزنی دختر ۲۹ ساله پرداختند. آنان با استفاده از تجهیزات و فناوری های نوین پلیسی به اطلاعاتی دست یافتند که نشان می داد «مهلا» آخرین بار با پسر جوانی به نام «میثم» ارتباط تلفنی برقرار کرده است. با به دست آمدن این سرنخ مهم، گره کور پرورنده آدم ربایی گشوده شد چرا که با توجه به اظهارات مادر «مهلا» ردپای میثم در این ماجرا دیده می شد. بنابر این نیروهای اطلاعاتی کلانتری، شبانه به شماره تلفن میثم دست یافتند و از او در باره «مهلا» سوال کردند اما او مدعی شد او را نمی شناسد و هیچ اطلاعی از دختری به نام «مهلا» ندارد! به همین دلیل نیروهای انتظامی از وی خواستند قبل از آن که پلیس به سراغش برود، او خود را برای ادای توضیحات به کلانتری معرفی کند. گزارش اختصاصی خراسان حاکی است هنوز دقایقی از این تماس تلفنی نگذشته بود که پیامک دیگری از گوشی تلفن مهلا برای ناپدیری اش ارسال شدیمین براین که «من به طرف میدان عدل خمینی (ره) در حرکت هستم!» عقر به های ساعت به نیمه شب نزدیک می شدند که گروهی از ماموران کلانتری به همراه ناپدیری «مهلا» عازم

راست و چپ را نمی شناختم که فرزند طلاق نام گرفتیم. پدرم اعتیاد شدیدی به مواد مخدر داشت و مادر برای آن که سعادت و خوشبختی مرا تضمین کند، از پدرم طلاق گرفت و در یک شرکت خصوصی مشغول کار شد تا هزینه های زندگی را تامین کند. پدرم نیز به دنبال سرنوشت سیاه خودش رفت به گونه ای که دیگر هیچ گاه او را ندیدم. با وجود این، وقتی به سن نوجوانی و جوانی رسیدم مادر من به شدت اعمال و رفتار مرا کنترل می کرد تا موجب سرشکستگی او در میان فامیل پر نشوم. مادر به قدری حساس بود که هیچ گاه مرا در خانه تنها نمی گذاشت. هنگامی که سرکار می رفت پدر بزرگم نزد من می آمد و تا زمانی که مادر م از شرکت بر گردد از من مراقبت می کرد. این رفت و آمدها به گونه ای شد که من دیگر

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان فارس گفت: ماموران انتظامی استان، مخفیگاه یک قاتل فراری را در شیراز کشف کردند که این قاتل بار در مشغولیت کوار با سلاح کلاشینکف کشته شد. به گزارش ایرنا، مصطفی بحرینی با اشاره به سابقه اقدامات مجرمانه این قاتل فراری افزود: وی در سال ۹۹ پس از اجرای حکم قصاص نفس یک قاتل در شهرستان کوار، اقدام به انتقام جویی از خانواده مقتول به بهانه ندانن رضایت کرد و یکی از اولیای دم پرورنده را در

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

مدیر منطقه یک آتش نشانی مشهد گفت: وقوع انفجار در یک منزل مسکونی و محبوس شدن یک نفر در میان آوار در بولوار توس طی عصر دیروز، موجب شد مرد جوان ساکن این منزل دچار سوختگی و این واحد مسکونی ۱۰۰ درخت تخریب شود. به گزارش روابط عمومی آتش نشانی، آتشباد سوم محمدرضا علیپور افزود: شیشه تعدادی از واحدهای مسکونی دیگر نیز بر اثر انفجار شکست و خسارت ۵۰ درصدی به دو منزل مجاور و دو دستگاه خودروی پارک شده در مقابل محل حادثه وارد آمد. وی ادامه داد: نجاتگران این فرد را از میان آوار نجات دادند و برای انتقال به بیمارستان تحویل تکنیسین های اورژانس حاضر در محل دادند. علت اولیه این حادثه نشت گاز شهری بوده اما علت دقیق آن در دست بررسی است.

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

توکلی / سارق سابقه دار قطعات و لوازم داخل خودرو به چنگ پلیس افتاد. به گزارش خراسان، فرمانده انتظامی عنبرآباد در این باره گفت: به دنبال افزایش سرقت قطعات و لوازم داخل خودرو در نقاط مختلف شهرستان، موضوع به صورت ویژه در دستور کار قرار گرفت. سرهنگ رضافیروز بخت افزود: در این زمینه نیروهای دایره تجسس کلانتری مرکزی با اشراف اطلاعاتی و گشت زنی نامحسوس در نقاط وقوع سرقت ها، یک سارق را در حالی که قصد سرقت محتویات داخل خودرو در

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

میدان عدل خمینی (ره) شدند. هنوز نیروهای انتظامی، عملیات کامل پوششی را ا اجرا نکرده بودند که «مهلا» از آن سوی خیابان به طرف پدرش آمد و اشک شوق از چشمان ناپدیری جاری شد. بنابر گزارش خراسان، دقایقی بعد، بازجویی از «مهلا» در کلانتری آغاز شد تا زوایای پنهان این ماجرا روشن شود که چندین ساعت پلیس را درگیر پرورنده آدم ربایی کرده بود. دختر ۲۹ ساله در حالی که بادیدن مادرش به شدت اشک می ریخت و او را آغوش می فشرد، به تشریح نقشه وحشتناک آدم ربایی پرداخت و گفت: هنوز دست

راست و چپ را نمی شناختم که فرزند طلاق نام گرفتیم. پدرم اعتیاد شدیدی به مواد مخدر داشت و مادر برای آن که سعادت و خوشبختی مرا تضمین کند، از پدرم طلاق گرفت و در یک شرکت خصوصی مشغول کار شد تا هزینه های زندگی را تامین کند. پدرم نیز به دنبال سرنوشت سیاه خودش رفت به گونه ای که دیگر هیچ گاه او را ندیدم. با وجود این، وقتی به سن نوجوانی و جوانی رسیدم مادر من به شدت اعمال و رفتار مرا کنترل می کرد تا موجب سرشکستگی او در میان فامیل پر نشوم. مادر به قدری حساس بود که هیچ گاه مرا در خانه تنها نمی گذاشت. هنگامی که سرکار می رفت پدر بزرگم نزد من می آمد و تا زمانی که مادر م از شرکت بر گردد از من مراقبت می کرد. این رفت و آمدها به گونه ای شد که من دیگر

هیچ دوست و آشنایی به جز پدر بزرگم نداشتم. مادرم مواظب بود تا دختری بی بندوبار نشوم که به من افتخار کند. اوحتی وقتی با ناپدیری ام ازدواج کرد اولین شرطش این بود که هر هفته یک بار به منزل ما بیاید تا مادر من زمان بیشتری را برای تربیت سالم من صرف کند. این همه سخت گیری مرا به شدت آزار می داد تا این که سال گذشته پدر بزرگم نیز دار فانی را وداع گفت و من تنها ماندم. در این شرایط مادرم کارش را رها کرد و برای من یک دستگاه گوشی تلفن هوشمند خرید تا از این حالت افسردگی و انزوا بیرون بیایم. با وجود این، او حتی مرا ۵ دقیقه هم تنها نمی گذاشت و بآن که دختری ۲۹ ساله بودم شب ها را نیز در آغوش مادرم می خوابیدم و او شبانه روز از من مراقبت می کرد. حتی در کلاس های دانشگاه هم در کنار من حضور داشت یا در بیرون کلاس درس منتظر من ماند. او برایم حساب بانکی باز کرده بود ولی من اختیاری

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

شیراز جلوی دیدگان پسرش با سلاح گرم به قتل رساند. وی با بیان این که در ادامه انتقام جویی، این قاتل مسلح فرد دیگری از خانواده مقتول اول را این بار در مشغولیت کوار با سلاح کلاشینکف به قتل رساند، ادامه داد: این شرور در سومین اقدام مجرمانه خود با شلیک سلاح گرم به بخش های حیاتی فرد دیگری، قصد کشتن وی را داشت که با وجود ایراد آسیب جدی، مجروح حادثه با تلاش کادر پزشکی از مرگ نجات یافت. دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان فارس

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

مدیر منطقه یک آتش نشانی مشهد گفت: وقوع انفجار در یک منزل مسکونی و محبوس شدن یک نفر در میان آوار در بولوار توس طی عصر دیروز، موجب شد مرد جوان ساکن این منزل دچار سوختگی و این واحد مسکونی ۱۰۰ درخت تخریب شود. به گزارش روابط عمومی آتش نشانی، آتشباد سوم محمدرضا علیپور افزود: شیشه تعدادی از واحدهای مسکونی دیگر نیز بر اثر انفجار شکست و خسارت ۵۰ درصدی به دو منزل مجاور و دو دستگاه خودروی پارک شده در مقابل محل حادثه وارد آمد. وی ادامه داد: نجاتگران این فرد را از میان آوار نجات دادند و برای انتقال به بیمارستان تحویل تکنیسین های اورژانس حاضر در محل دادند. علت اولیه این حادثه نشت گاز شهری بوده اما علت دقیق آن در دست بررسی است.

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

نفر که دچار مسمومیت استنشاقی شده بودند، تحت درمان اورژانس قرار گرفتند. وی اظهار کرد: این عملیات حدود ساعت ۱۱:۳۰ به پایان رسید و در نهایت مصدومان حادثه تحت اقدامات اورژانس به بیمارستان های امام خمینی (ره) اسکوه شهیدمدنی آذر شهر منتقل شدند. شادی نیاسپس ادامه داد: علت حادثه، آتش گرفتن فوم در کارخانه فولاد گزارش شده است.

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

یکی از خیابان های شهر را داشت دستگیر و به کلانتری هدایت و منتقل کردند. وی ادامه داد: در بررسی سوابق متهم مشخص شد این مجرم از سارقان دارای سابقه است که در مواجهه با دلائل و مستندات و بازجویی های پلیسی به ۱۱ فقره سرقت قطعات و محتویات داخل خودرو اعتراف کرد. وی با بیان این که در این خصوص یک مالخر نیز در اقدام ضربتی پلیس دستگیر شد، افزود: اموال سرقتی کشف شده تحویل مال بختگان شدوین دومتهم به مرجع قضایی تحویل شدند.

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

هیچ دوست و آشنایی به جز پدر بزرگم نداشتم. مادرم مواظب بود تا دختری بی بندوبار نشوم که به من افتخار کند. اوحتی وقتی با ناپدیری ام ازدواج کرد اولین شرطش این بود که هر هفته یک بار به منزل ما بیاید تا مادر من زمان بیشتری را برای تربیت سالم من صرف کند. این همه سخت گیری مرا به شدت آزار می داد تا این که سال گذشته پدر بزرگم نیز دار فانی را وداع گفت و من تنها ماندم. در این شرایط مادرم کارش را رها کرد و برای من یک دستگاه گوشی تلفن هوشمند خرید تا از این حالت افسردگی و انزوا بیرون بیایم. با وجود این، او حتی مرا ۵ دقیقه هم تنها نمی گذاشت و بآن که دختری ۲۹ ساله بودم شب ها را نیز در آغوش مادرم می خوابیدم و او شبانه روز از من مراقبت می کرد. حتی در کلاس های دانشگاه هم در کنار من حضور داشت یا در بیرون کلاس درس منتظر من ماند. او برایم حساب بانکی باز کرده بود ولی من اختیاری

برای واریز یا برداشت از آن حساب نداشتم حتی گواهی نامه من نیز در کیف مادرم بود...

دختر جوان در حالی که اشک هایش را پاک می کرد، ادامه داد: در این شرایط، پنهانی وارد فضای مجازی شدم به طوری که خودم را دختری مستقل احساس می کردم و به جست و جو در فضای ناشناخته ادامه دادم تا این که در یکی از شبکه های اجتماعی با «میثم» آشنا شدم و او را سنگ صبور در ددل هایم یافتم. دیگر مدام با میثم چت می کردم و به رفتارهای مادرم توجهی نداشتم. بارها سعی کردم با مادر من در این باره حرف بزنم ولی او که می دانست دخترم از چه چیزی سخن بگویم سر و صا به راه می انداخت و فریادمی زد: «این نتیجه همه مراقبت های من است؟» به همین دلیل هیچ گاه نتوانستم آن چه

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در ادامه با بیان این که اقدامات سریالی و مخل و امنیت این قاتل خطرناک متواری در دو شهرستان شیراز و کوار باعث نارضایتی مردم در این دو حوزه قضایی شده بود، اضافه کرد: با پیشنهاد دادستانی مرکز استان برای مدیریت این پرونده، کمیته مشترکی با حضور سرپازان گمنام امام زمان (عج) و پلیس آگاهی استان تحت نظارت معاون دادستان و سرپرست دادسرای جایی و جرایم امنیتی شیراز تشکیل و پس از شناسایی محل اختفای قاتل در یک

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی

در امتداد تاریکی